یک‌شنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۴ ■ شماره ۲۲۰۰۳ ■ ۱۸ رمضان ۱۴۴۷ ■ ۸ مارس ۲۰۲۶

مشهد
اذان ظهر: ۱۱:۴۳
غروب آفتاب: ۱۷:۳۲
اذان مغرب: ۱۷:۵۰
نیمه شب: ۲۳:۰۱
اذان صبح فردا: ۰۴:۲۹
طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۷

تهران
اذان ظهر: ۱۲:۱۵
غروب آفتاب: ۱۸:۰۵
اذان مغرب: ۱۸:۲۳
نیمه شب: ۲۳:۳۴
اذان صبح فردا: ۰۵:۰۲
طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۵

امیرمؤمنان، امام علی(ع) می فرمایند:

القَلبُ المُحِبُّ للّه يُحِبُّ كَثيرا النَّصَبَ للّه، وَالقَلبُ اللاّهي عَنِ اللّه يُحِبُّ الرّاحَةَ؛

قلب دوستدار خدا،خستگی برای خدا را بسیار دوست دارد و قلب بی‌خبر از یاد خدا،آسایش را دوست دارد.

[تنبیه الخواطر: ج۲، ص ۸۷]

روزنامه خراسان رتبه ۵ نشریات کشوری
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول و سردبیر: حامد رحیم پور
دفترمرکزی: مشهد، بلوارشهید صادقی(سازمان آب)
کدپستی: ۹۱۸۵۸۹۵۹۷۱
تلفن: ۳۷۰۰۹۰۰۰ ۰۵۱
نمابردبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵ ۰۵۱
پذیرش‌آگهی: ۳۷۰۱۰ ۰۵۱

روابط‌عمومی: ۳۷۰۰۹۱۱۱ ۰۵۱
نمابرجوابیه‌ها: ۳۷۶۵۷۷۷۲ ۰۵۱
نمابرآگهی‌ها: ۳۷۶۱۲۰۳۵ ۰۵۱
تلفن امورمشترکین: ۳۷۰۰۹۷۷۷ ۰۵۱
دفتر تهران: خیابان توانیر، خیابان نظامی گنجوی کوچه ناردان، پلاک ۲۳
تلفن و فاکس دفتر تهران: ۸۸۸۷۱۳۰۹ ۰۲۱

www.khorasanonlin.ir
e-mail:info@khorasannews.com
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه خراسان را در سایت بخوانید
سامانه ثبت آگهی آنلاین خراسان: www.khorasanet.ir

چاپ‌مشهد: شهرچاپ‌خراسان | **چاپ‌تهران:** چاپخانه جام جم برتر برنا

روزنامه صبح ایران
خراسان
WWW.KHORASANONLIN.IR

تازه های مطبوعات

شرق- ویژگی موزاییکی، درست نقطه مقابل ویژگی «عمود خیمه» است. هرچقدر در ویژگی عمود خیمه، همه چیز قائم به فرد است و بود و نبود اوست که خیمه را نگه می دارد یا فرو می ریزاند، در ویژگی موزاییکی، هر موزاییک، هر قدر هم بزرگ یا کوچک، کارکرد خود را دارد و با حذف یک موزاییک، حتی اگر بسیار هم بزرگ باشد، باقی موزاییک ها سر جای خود هستند و حذف یکی، موزاییک های دیگر را ناکارآمد نمی کند و در نهایت، موزاییک دیگری جایگزین خواهد شد، چنان که رهبر دیگری طبق قواعدی مشخص، قرار است جانشین آن رهبر شهید بشود و تا وقتی که همین ساختار موزاییکی که آن شهید برای اداره کشور، چه در بُعد نظامی و چه اداری سامان داده، پابرجا بماند، عبور از ضرباتی چنین سهمگین، امکان پذیر خواهد بود.

وطن امروز- باز شدن جبهه شمال فلسطین اشغالی توسط حزب‌ا... لبنان نیز فشار مضاعفی بر سامانه‌های دفاعی رژیم وارد کرده است. حزب‌ا... علاوه بر حملات موشکی و راکتی، برخی مواضع پدافندی رژیم اشغالگر را نیز هدف قرار داده و در عین حال بخشی از ذخایر رهگیر های رژیم صهیونیستی نیز به ناچار صرف مقابله با حملات مقاومت در جبهه شمال می‌شود.

فرهیختگان- توان ارتش واقعی آمریکا را می‌توان در نسبت با واقعیت بیرونی سنجید؛ در جایی که یک شهروند عادی کویتی پس از ایجکت خلبان هواپیمای F15 او را با چوب دست تهدید می کند. تصاویر واقعی در این میان زیاد دست به دست می‌شود و باید گفت که شکل سینمایی آن تنها توهمی از تمام آرزوها و میل سرکوب شده نظام حاکم بر آمریکاست. آن ها یعنی آمریکایی ها در تلاشی محتوم به منظور مواجهه با ایرانیان می خواهند خاطرات فیلم های هالیوودی را در اذهان زنده کنند، اما واقعیت به شکلی در حال وقوع است که جادوی تصنعی تمام آن تصاویر سینمایی در حال فروپاشی است.

انعکاس

تابناک خبر داد: وزیر امور خارجه در صفحه توئیتر خود نوشت: ایالات متحده با حمله به یک تأسیسات آب‌شیرین کن در جزیره قشم، مرتکب جنایتی آشکار و از سر استیصال شد. در پی این حمله، تأمین آب در ۳۰ روستا با اختلال مواجه شده است. هدف قرار دادن زیرساخت های حیاتی ایران اقدامی بسیار خطرناک است که پیامدهای سنگینی در پی خواهد داشت. این ایالات متحده بود که چنین رویه‌ای را پایه گذاری کرد، نه ایران!

الف نوشت: سردار طلایی سخنگوی وزارت دفاع گفت: ضریب نفوذ موشک های ما در سرزمین های اشغالی به بالای ۸۰ درصد رسیده است. پس از فروپاشی کامل پدافند دشمن، تمام سرزمین اشغالی زیر ضرب خواهد رفت.

فراز نوشت: اژه‌ای رئیس قوه قضاییه و عضو شورای موقت رهبری گفت: شواهد نیروهای مسلح ایران نشان می دهد جغرافیای برخی کشورهای منطقه آشکار و نهان در اختیار دشمن است و از آن نقاط علیه کشور ما در تجاوز استفاده می‌شود. حملات شدید به این اهداف ادامه خواهد داشت و این راهبرد هم اکنون در حال اجراست و دولت و دیگر ارکان نظام متفق القول هستند.

آخرین خبر نوشت: سپاه پاسداران در اطلاعیه ای اعلام کرد: در پاسخ به تعدی تروریست های آمریکایی از پایگاه جفیر به آب‌شیرین کن قشم، این پایگاه آمریکایی بلافاصله مورد اصابت موشک های نقطه‌زن سوخت جامد و مایع سپاه پاسداران قرار گرفت.

خبرآنلاین نوشت: روزنامه ها آرتص به نقل از منابع خودنوشت: ارتش اسرائیل هیچ ردی از انشقاق نیروهای امنیتی ایران که همچنان قادر به حفظ کنترل اوضاع هستند، پیدا نکرده است.

ایکس روز

محمدباقر قالیباف | MB Ghalibaf
@mb_ghalibaf
Show translation

سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای رهنمودهای امام شهیدمان ثابت است.
تا هنگامی که پایگاه‌های آمریکا در منطقه وجود دارد کشورها روی آرامش را نخواهند دید.
همهٔ مسئولین و مردم بر روی این اصل متحد هستند.

واکاوی پیام پزشکیان، پاسخ ترامپ و معادله واقعی جنگ در منطقه

استیصال ترامپ از مقاومت مردم

گروه سیاسی – در میانه یکی از پیچیده‌ترین تقابل های نظامی و سیاسی سال های اخیر در منطقه، پیام ویدئویی رئیس جمهور پزشکیان درباره نحوه مواجهه با کشورهای همسایه، موجی از واکنش های داخلی و خارجی را برانگیخت؛ واکنش هایی که از نقدهای تند داخلی تا بهره برداری تبلیغاتی رئیس جمهور آمریکا را دربر گرفت. این مجموعه واکنش ها نشان داد که در شرایط جنگی، هر جمله بسیار مهم است و می تواند شرایط جنگ را به سرعت تغییر دهد.

پیام رئیس جمهور؛ تلاش برای تفکیک همسایگان از میدان جنگ

مسعود پزشکیان در پیام تصویری خود تأکید کرد که ایران قصد تجاوز به کشورهای همسایه را ندارد و بارها بر «برادری ملت های منطقه» و ضرورت همکاری برای برقراری صلح و ثبات تأکید کرد. او همچنین از تصمیمی در شورای موقت رهبری سخن گفت که بر اساس آن، نیروهای مسلح به کشورهای همسایه حمله نمی کنند مگر در شرایطی که حمله‌ای از خاک آن کشورها علیه ایران صورت گیرد. رئیس جمهور همچنین در بخشی از سخنان خود از برخی کشورهای همسایه عذرخواهی کرد؛ عبارتی که به سرعت به یکی از بحث‌برانگیزترین بخش های این پیام تبدیل شد. از منظر دیپلماسی، چنین موضعی معمولاً با هدف جلوگیری از شکل گیری یک ائتلاف گسترده منطقه‌ای علیه کشور اتخاذ می شود اما نحوه بیان رئیس جمهور و استفاده از کلمات نامناسب فضا را به ضرر ایران تغییر داد.

با این حال، بخش مهمی از واکنش های داخلی نه به اصل پیام، بلکه به واژه «عذرخواهی» مربوط بود. منتقدان معتقد بودند که حملات ایران صرفاً متوجه منافع و پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه بوده و نه کشورهای میزبان و بنابراین دلیلی برای عذرخواهی وجود ندارد. در این نگاه، حتی برخی کشورهای منطقه به‌واسطه در اختیار گذاشتن زیرساخت ها و پایگاه ها برای عملیات علیه ایران، بخشی از معادله جنگ محسوب می شوند. بنابراین، اگر بحثی از مسئولیت یا عذرخواهی مطرح باشد، این کشورها باید نسبت به نقش خود در تشدید تنش توضیح دهند. با این حال، به صورت خوش بینانه این طور می شود برداشت کرد که اصل پیام رئیس جمهور بیشتر با هدف مدیریت فضای سیاسی منطقه و جلوگیری از کشیده شدن کشورهای عربی به جنگ مستقیم با ایران مطرح شده است. هر چند که تیم رسانه ای و مشاوران رئیس جمهور به ضعیف ترین شکل ممکن آن را اجرا کردند.

در ادامه این بحث ها، سخنگوی نیروهای مسلح نیز در اظهاراتی اعلام کرد که هر کشوری که فضای خود را در اختیار آمریکا یا اسرائیل برای اقدام علیه ایران قرار دهد، آن مکان به طور طبیعی در زمره اهداف



مشروع ایران قرار خواهد گرفت.

این موضع در واقع همان قاعده عملیاتی شناخته شده‌ای است که طی سال های گذشته نیز بارها اعلام شده بود، ایران آغازگر حمله به کشورهای منطقه نیست، اما اگر خاک یا آسمان آن ها به سکوی حمله علیه ایران تبدیل شود، پاسخ خواهد داد. به همین دلیل برخی تحلیل گران معتقدند که سخنان رئیس جمهور و مواضع نیروهای مسلح نه تنها متناقض نیست، بلکه در چارچوب یک راهبرد واحد قابل تفسیر است. همزمان با این واکنش ها، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که تا کنون تعرضی به کشورهای همسایه صورت نگرفته و اهداف اصلی عملیات ها همچنان پایگاه ها و منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه است.

بهره‌برداری تبلیغاتی ترامپ

اما تندترین واکنش خارجی به این ماجرا از سوی دونالد ترامپ بود. رئیس جمهور آمریکا در شبکه اجتماعی خود مدعی شد که ایران پس از تحمل ضربات سنگین، از همسایگان خود عذرخواهی کرده و وعده داده دیگر به آن ها حمله نکند. ترامپ این موضوع را نشانه‌ای از «شکست ایران» توصیف و حتی ادعا کرد که ایران برای نخستین بار در هزاران سال در برابر کشورهای منطقه شکست خورده است.

این اظهارات بیش از آن که تحلیل نظامی باشد، بخشی از جنگ روانی و تبلیغاتی محسوب می شود. در شرایطی که آمریکا و متحدانش با هزینه‌های سنگین سیاسی و امنیتی جنگ روبه‌رو هستند، ایجاد تصویر «پیروزی» در افکار عمومی داخلی آمریکا اهمیت زیادی دارد. واکنش های سریع و اغراق آمیز ترامپ به تحولات میدان جنگ، نشان دهنده فشار سیاسی قابل توجه بر دولت آمریکاست.

گزارش های مختلف از نارضایتی برخی متحدان آمریکا از تبعات جنگ، نگرانی ها درباره امنیت انرژی و افزایش ریسک بی‌ثباتی منطقه‌ای حکایت دارد. در چنین شرایطی، واشنگتن نیاز دارد روایت غالب را به گونه‌ای شکل دهد که ادامه یا پایان جنگ برای افکار عمومی توجیه‌پذیر باشد.

با این حال، بخش قابل توجه‌تری از پیام ترامپ در توئیت او نهفته بود؛ جایی که برای نخستین بار مردم ایران را نیز به طور مستقیم تهدید کرد و حتی از احتمال هدف قرار دادن مناطق و گروه هایی از مردم سخن گفت. چنین ادبیاتی عملاً نشان می دهد که فشار جنگ و مقاومت اجتماعی در ایران، کاخ سفید را تا جایی پیش برده که از تهدید مستقیم یک ملت سخن می گوید؛ نشانه‌ای روشن از استیصال سیاسی در برابر پایداری جامعه ایرانی. همچنین در بخشی از پیام ترامپ ادعا شده که «ایران شکست خورده و برای دهه‌ها بازنده خاورمیانه خواهد بود». این گزاره بیش از آن که توصیف واقعیت باشد، بخشی از جنگ روانی و تبلیغاتی برای القای تصویر شکست است.

با این حال، همین جمله حاوی یک هشدار جدی نیز هست: بازنده بودن در چنین نبردی تنها یک ادعای رسانه‌ای نیست، بلکه اگر واقعاً رخ دهد، می تواند به معنای سال ها فشار، تحقیر و محدودیت برای ایران باشد. به همین دلیل، مهم‌ترین پاسخ به چنین روایت هایی حفظ انسجام داخلی و جلوگیری از شکاف هایی است که می تواند روایت دشمن را به واقعیت تبدیل کند.

ماجرای پیام پزشکیان و واکنش ترامپ نشان می دهد که در کنار میدان نظامی، یک میدان مهم دیگر نیز فعال است و آن میدان روایت های رسانه ای است. در این میدان، هر جمله، هر تصویر و هر بیانیه می تواند به سرعت به ابزار جنگ روانی تبدیل شود. از یک سو، ایران تلاش دارد نشان دهد که جنگ را به کشورهای منطقه گسترش نداده و هدف اصلی آن مقابله با حضور نظامی آمریکا و اسرائیل است. از سوی دیگر، واشنگتن می کوشد این تقابل را به شکل «عقب‌نشینی ایران» تصویر کند.

با وجود جنجال های سیاسی و رسانه ای، واقعیت میدانی جنگ هنوز تغییر نکرده است. پایگاه ها و منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه اهداف اصلی عملیات ها هستند و کشورهایی که خاک یا آسمان خود را در اختیار این عملیات قرار دهند، ممکن است در معرض پیامدهای آن قرار گیرند.

در شرایط جنگی و حساس کشور، تسریع در انتخاب رهبر جدید به مطالبه نخبگان و مراجع و مردم تبدیل شده است

خبرگان تعجیل کند

تحولات امروز در فضای سیاسی کشور، به‌ویژه سخنان رئیس جمهور و واکنش های گسترده به آن، بار دیگر یک واقعیت بنیادین را آشکار کرد: ساختار سیاسی جمهوری اسلامی در شرایط حساس کنونی بیش از هر زمان دیگری به تعیین سریع و شفاف رهبر جدید نیاز دارد. مسئله صرفاً یک فرایند حقوقی یا تشریفاتی نیست، بلکه موضوعی راهبردی است که مستقیماً با روحیه جامعه، انسجام ساختار قدرت و قدرت بازدارندگی کشور در برابر دشمنان خارجی پیوند خورده است. اظهارات امروز رئیس جمهور، ناخواسته یا آگاهانه، یک خلأ مهم را برجسته کرد؛ خلأیی که نشان می دهد شورای رهبری، به عنوان یک سازوکار موقت و اضطراری، نمی تواند به طور کامل نقش و کارکرد رهبری در نظام جمهوری اسلامی را پوشش دهد. تجربه روزهای اخیر نشان داده است که در بزنگاه های بزرگ، کشور نیازمند یک نقطه کانونی تصمیم گیری و مرجعیت سیاسی و معنوی است؛ شخصیتی که بتواند هم در عرصه داخلی روحیه عمومی جامعه را تقویت و هم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پیام روشنی از ثبات و اقتدار نظام ارسال کند. در چنین شرایطی، تأخیر در معرفی رهبر جدید تنها یک تأخیر اداری یا سیاسی نیست، بلکه می تواند پیام های متناقضی به جامعه و حتی به بیرون از مرزها مخابره کند. دشمنان ایران همواره در جست‌وجوی نشانه هایی از خلأ قدرت یا شکاف در ساختار حکمرانی بوده‌اند و هر گونه طولانی شدن این وضعیت می تواند به تشدید جنگ روانی و فشارهای خارجی دامن بزند.

در همین چارچوب، طی ساعات اخیر شاهد ورود صریح و کم‌سابقه جمعی از مراجع عظام تقلید به این موضوع بوده‌ایم؛ اقدامی که نشان دهنده عمق نگرانی در حوزه های علمیه نسبت به استمرار شرعی و کارآمدی نظام است. آیت‌ا... مکارم شیرازی در پیامی خطاب به مجلس خبرگان بر لزوم تسریع در انتخاب رهبری تأکید کرد و این اقدام را عامل تقویت اقتدار ملی و سامان دهی بهتر امور کشور دانست. آیت‌ا... نوری همدانی نیز با اشاره به شرایط حساس کشور و نقش نیروهای مسلح در دفاع از ایران تأکید کرد که انتخاب سریع رهبر می تواند موجب ناامیدی دشمنان و حفظ انسجام ملی شود. این مواضع تنها توصیه‌های معمول حوزوی نیستند، بلکه در واقع یادآوری یک



اصل بنیادین در ساختار جمهوری اسلامی است: استمرار مشروعیت سیاسی نظام با استمرار مرجعیت فقهی و ولایت در رأس آن گره خورده است. در همین راستا، آیت‌ا... عابدینی نیز هشدار داده است که هر گونه کوتاهی در انتخاب رهبر، مسئولیت مستقیم آن را متوجه دست اندرکاران این فرایند خواهد کرد. همچنین بیش از ۲۰۰ نفر از اندیشمندان و دانشمندان کشور (رؤسای پیشین مؤسسات آموزش عالی) در نامه‌ای از اعضای مجلس خبرگان درخواست کردند در معرفی سومین رهبر انقلاب تعجیل کنند. از منظر راهبردی، مجلس خبرگان رهبری اکنون در یکی از مهم‌ترین آزمون های تاریخی خود قرار دارد. این مجلس بر اساس قانون اساسی وظیفه دارد در کوتاه‌ترین زمان ممکن رهبر جدید را انتخاب کند. تأخیر طولانی در این تصمیم، علاوه بر آن که به اعتبار نهادی خبرگان آسیب می زند، می تواند در افکار عمومی نیز پرسش هایی درباره کارآمدی سازوکارهای پیش بینی شده در قانون اساسی ایجاد کند. در لحظه‌ای که کشور با چالش های نظامی و منطقه‌ای روبه‌روست، جامعه نیازمند نشانه‌ای روشن از ثبات و استمرار قدرت است. تعیین سریع رهبر جدید نه تنها یک ضرورت حقوقی و شرعی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای حفظ انسجام ملی، تقویت روحیه عمومی و ارسال پیام اقتدار به محیط پیرامونی ایران محسوب می شود. به بیان دیگر، اکنون زمان تصمیم های بزرگ است. تأخیر در چنین لحظه‌ای نه به سود نظام است، نه به سود جامعه و نه حتی به سود اعتبار تاریخی نهادی که مسئول این تصمیم سرنوشت‌ساز است. مجلس خبرگان باید بداند که هر ساعت تأخیر، هزینه های سیاسی و روانی بیشتری برای کشور به همراه خواهد داشت. تعیین رهبر جدید، امروز بیش از هر زمان دیگر، به یک مطالبه ملی و یک ضرورت راهبردی تبدیل شده است.

با این که دشمن پل های هوایی را به مرکز کشور ایجاد کرده اما اکنون عین این پل های هوایی برای جمهوری اسلامی ایران به سراسر منطقه نیز وجود دارد

خط آتش دوطرفه

این واضح است که پدافند ما به دلایل متعدد، امکان درگیری و سرنگونی جنگنده های دشمن را نداشته و متاسفانه آن ها پل های هوایی را به مرکز کشور ایجاد کرده اند اما اکنون عین این پل های هوایی برای جمهوری اسلامی ایران به سراسر منطقه نیز وجود دارد.

می توان گفت که یک برابری ظاهری در این زمینه وجود دارد اما از سه تفاوت کلیدی نباید چشم‌پوشی کرد:

اولاً پدافند هوایی ایران به دلایل متعدد از گذشته و خصوصا پس از جنگ ۱۲ روزه، امکان خاصی برای درگیری به ویژه با جنگنده ها ندا‌شت. دلایل متعددی برای این موضوع وجود دارد که باید به طور ویژه بدان پرداخت از کم کاری ها و بی توجهی ها تا کمبود وقت و سرمایه و امکانات و .... با این حال همان طور که گفته شد، دشمن دست کم ۷ گیت لایه بندی شده در قالب یک شبکه یکپارچه چندملیتی برای حفاظت از رژیم تاسیس و مرتباً پیش از عملیات های وعده صادق ۱ تا ۴ آن ها را به روزرسانی و مستحکم‌تر کرد با این حال ایران با شکستن لایه به لایه این شبکه اکنون دست خود را به هر نقطه از منطقه می رساند.

ثانیاً حتی در صورت عملکرد پدافند، هزینه ها متفاوت است. اگر چند جنگنده همراه با خلبان یا هواپیمای سوخت‌رسان توسط ایران سرنگون شوند، هزینه های مادی، سیاسی و نظامی به مراتب بیشتری برای دشمن وجود دارد تا رهگیری موشک های ایرانی. بنابراین اگر امید داشت و بتوان طی عملیات های ویژه، چنین کرد، معادلات این حوزه نیز به طور اساسی به سود ایران به چرخش درخواهد آمد.

ثالثاً هزینه بعدی سرکوب پدافند برای طرفین متفاوت است. ایران کشوری پهناور است که تاسیسات آن نیز در این گستره وسیع توزیع شده و دشمن جهت انهدام آن ها نیاز مند پروازهای زیاد است اما به دلیل جغرافیای محدود رژیم صهیونیستی و تمرکز منابع و امکانات، در صورت حملات سنگین موشکی ایران، ضربه پذیری رژیم نیز به شدت افزایش پیدا می کند از همین رو آن ها بیش از پدافند خود روی آفند حساب باز کرده و سعی دارند با سرکوب توان موشکی ایران، این پنجره فرصت را هر طور شده از ایران بگیرند و این مسئله بسیار مهمی است که پاسخ سوالاتی را در دل خود دارد. اعزام ناو هواپیمابر جرالد فورد که در حیفا ماموریت دفاعی داشت به سوی دریای سرخ یک نشانه از تغییر در آرایش دشمن است.

دیدگاه



سعید آجورلو
info@khorasannews.com

ایران چه کرده و چه باید بکند؟

ترامپ جنگ با ایران را مانند جنگ بوش پسر با عراق شروع کرد. برای ضربه اول، رهبری را ترور و به جلسه فرماندهان نظامی حمله کرد و از نظامیان خواست تا اسلحه ها را زمین بگذارند. واکنش ایران بسیار ترسناک و جدی بود. در روز اول سرزمین های اشغالی و پایگاه ها و منافع آمریکا در منطقه تبدیل به جهنم شد. روندی که تا روز هفتم جنگ ادامه یافته و به نتایجی چون کنترل تنگه هرمز، افزایش قیمت نفت، نگرانی اروپا و چین، ناامنی کشورهای عربی، شکستن سهام ها در کشورهای شمال، تعطیلی پروازها در منطقه، کاهش ذخایر موشک رهگیری آمریکا و اسرائیل، تعطیلی داوطلبانه شرکت های نفتی قطری و امثال آن انجامیده است.

* حالا ترامپ به خوبی دریافته که سناریوی رژیم چنج مشابه عراق ربطی به ایران ندارد. او بلافاصله سراغ سناریوی ونزوئلا رفت و صراحتا خواهان مشارکت در انتخاب رهبر آینده شد. همزمان با پیش بردن سناریوی عراق سازی و تسلیم نظامی، از پیشنهاد تسلیم سیاسی هم رونمایی کرد. به نظر می رسد دستاورد سیاسی می تواند یکی از پنجره های خروجی او از جنگ باشد. در تهران برخلاف ونزوئلا به او بی اعتنایی شده است.

* سناریوی سومی هم در کار است؛ سوریه سازی یا عراق بعد از جنگ اول خلیج فارس. کلنگی کردن ایران، جنگ داخلی، تجزیه‌طلبی. ترامپ در واقع می گوید که اگر نظام تغییر نکرد و رهبری بدون شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل انتخاب نشد، یک ایران ضعیف و کلنگی باقی مانده است.

* اما نگاه ایران چیست؟ سناریوی عراق سازی شکست خورد و تغییر نظام توهم بود. برای این که تبدیل به ونزوئلا شویم، بیش از حد قوی هستیم و بنابراین ترامپ درباره این سناریو دچار خطای محاسباتی شده است. برای سوریه‌ای شدن هم خبری از جنگ داخلی نیست. بنابراین ایران در متن سناریوی ترامپ قرار ندارد. برعکس؛ یک احساس غرور از کنترل تنگه هرمز برای ایران به دست آمده. بازار انرژی را ایران در اختیار گرفته. کشورهای عربی جرئت حمله مستقیم به ایران را ندارند. چند اف ۱۵ هم شکار شده. آسمان اسرائیل مثل یک اتوبان شده و دفاع اسرائیل مثل پنیر سوئیسی سوراخ است. در چنین شرایطی ایران به جای مصاحبه های بلوف زنانه مثل ترامپ با تمرکز کارش را جلو می برد. مقاومت یکپارچه را ادامه می دهد. سوخت رسان های دشمن را هدف قرار می دهد. ترس را بیشتر بر رژیم مستولی می کند. حزب‌ا... لبنان از موضع خلع سلاح تبدیل به طرف جنگ شده. اگر لازم شد یمن هم خواهد پیوست.

* پس یک سناریوی چهارم هم وجود دارد؛ جمهوری اسلامی متفاوت از ذهنیت آمریکایی اسرائیلی. هم مواد هسته‌ای دارد، هم یک درس حسابی به برخی همسایگان ریاکارش داده. هم برای انرژی جهان تعیین تکلیف می کند و هم غیر قابل محاسبه شده است. این تصویر از ایران بزرگ‌ترین دستاوردی است که جنگ می تواند برای ما داشته باشد. ایران، جنگ ۱۲ روزه را به مثابه ۱۷ اکتبر خود دیده و برای وجود خود می جنگد. برای متوقف کردن ایران راه مانند جنگ ۱۲ روزه هموار نیست. در ایران کسانی می جنگند که نه ترس و خوفی در دل راه می دهند، نه با پیام های دیپلماتیک راه خود را عوض می کنند. تنها زمانی این جنگ پایان می پذیرد که سناریوی چهارم شکل بگیرد؛ یک ایران قوی. آن هامی دانند که اگر پای سناریوی چهارم نایستند آن سه سناریوی دیگر خسران خواهد بود.